

تقدیم به همه افراد دارای معلولیت دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

دکتر نسرین مصفا*

اقدامات بین‌المللی در حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت

چکیده:

وجود بیش از ۶۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان که به علل مختلف جسمی، ذهنی و اجتماعی دارای معلولیت هستند یک موضوع مهم جهانی است که تعهد و تلاش مشترک جامعه بشری را برای فراهم آوردن زندگی توأم با حیثیت و کرامت انسانی بر پایه موازین حقوق بشر برای آنان طلب می‌کند.

سازمان ملل متحد از دهه هفتاد به‌طور فزاینده‌ای اقداماتی را برای حمایت از افراد دارای معلولیت به‌طور مشخص آغاز کرد که مجموعه‌ای مشتمل بر قطعنامه‌ها، گزارش‌ها، قواعد استاندارد، برنامه عمل از آن جمله‌اند. در عین توجه سازمان هنوز یک سند لازم‌الاجرا در مورد حمایت از افراد دارای معلولیت وجود ندارد. برای رفع این نقیصه، اقدامات عملی برای تدوین یک کنوانسیون منسجم و همه‌جانبه برای حمایت از افراد دارای معلولیت متعاقب قطعنامه کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۰۲ شروع شده است.

این مقاله به بررسی اهم اقدامات ملل متحد در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت از منظر ابزارهای بین‌المللی حقوق بشر می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

افراد دارای معلولیت، حقوق بشر بین‌المللی، سازمان ملل متحد.

مقدمه

وجود بیش از ۶۰۰ میلیون نفر (۱) در سراسر دنیا که به علل مختلف جسمی، ذهنی و اجتماعی دارای معلولیت هستند، یک موضوع مهم جهانی است که تعهد و تلاش مشترک جامعه بشری را برای فراهم آوردن زندگی توأم با حیثیت و کرامت انسانی بر پایه موازین حقوق بشر برای آنان طلب می‌کند.

اکثریت افراد دارای معلولیت در فقر و جدایی از خانه، خانواده و جامعه زندگی می‌کنند. حقوق اساسی آنها شامل آزادی‌های اساسی، حق آموزش، بهداشت، مشارکت، دسترسی به نظام عادلانه قضایی، مالکیت و... به‌طور مستمر نقض می‌گردد. کودکان معلول در خانواده‌ها و یا نهادهای مربوط در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند و به ویژه در وضعیت‌های اضطراری و تعارضات مسلحانه آسیب بیشتری می‌بینند.

تعداد افراد دارای معلولیت هر روز در جهان به دلایل مختلف در حال تزايد است. فقر بزرگترین معضل بشریت و مهم‌ترین عامل نقض حقوق بشر از علل مهم معلولیت به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است. به‌طوری که بیش از ۷۰٪ از افراد دارای معلولیت در کشورهای فوق زندگی می‌کنند. کاهش خدمات رفاهی نسبت به معلولین حتی در کشورهای توسعه یافته صنعتی عواقب زیادی داشته و در هر گروه از کشورها شاهد افزایش تعداد افراد دارای معلولیت و رنج و مشقت رو به تزايد آنان می‌باشیم. همچنین جنگ‌ها و آثار آنها از جمله «مین‌ها» به‌طور مستمر به تعداد این افراد می‌افزایند. با فزونی آنها چالش برای بهبود زندگی و رعایت حقوق آنان وسیع‌تر می‌شود. معلولیت عده کثیری از آحاد انسانی یک معضل مشترک جامعه بشری است و حل آن در گرو اقدامات هماهنگ ملی و بین‌المللی است.

توجه بین‌المللی در سطح وسیع و به‌طور مشخص برای حمایت از افراد دارای معلولیت از اوایل دهه هفتاد میلادی به پیشگامی ملل متحد انجام شده است. ولی واقعیت این است که اقدامات ملل متحد در حالی که اهمیت خود را دارند و به‌ویژه در سال‌های اخیر شاهد رشد فزاینده فعالیت برای ترویج و حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در نهادهای حقوق بشری ملل متحد هستیم ولیکن هنوز یک سند لازم‌الاجرا و همه‌جانبه در این زمینه وجود ندارد. البته مجموعه‌ای از اسناد به اشکال مختلف قطعنامه، اعلامیه، قواعد استاندارد، برنامه عمل تدوین و

کوشش‌های بین‌المللی تغییر عمده‌ای در زندگی آنها ایجاد نشده است. گزارشگر کمیسیون توسعه اجتماعی شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد در فوریه سال ۲۰۰۰ اعلام کرد که حقوق اساسی مردم دارای معلولیت شامل حق آموزش، حق داشتن فرزند، مشارکت در انتخابات، دسترسی به دادگاه‌ها و مالکیت به‌طور مستمر در سراسر جهان نقض می‌شود. (۲) به‌ویژه معلولان ذهنی که به میزان زیادی آسیب پذیرند و غالباً در انزوا و فراموشی زندگی می‌کنند. با توجه به توصیه کنفرانس جهانی علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و تمام اشکال نابردباری که در سپتامبر سال ۲۰۰۱ در دوربان آفریقای جنوبی برگزار شد و براساس قطعنامه کمیسیون حقوق بشر در آوریل سال ۲۰۰۲ (۳) اقدامات برای تدوین یک کنوانسیون بین‌المللی همه‌جانبه و منسجم برای بهبود و حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت در قالب تشکیل یک کمیته ویژه از تابستان همان سال آغاز گردیده است. و می‌رود که در چارچوب ملل متحد اولین سند لازم‌الاجرای حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت تهیه و تدوین شود.

با عنایت به کمبود ادبیات در این زمینه مهم حقوق بشری، هدف اصلی از تدوین این مقاله بررسی اقدامات ملل متحد در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت از منظر ابزارهای بین‌المللی حقوق بشر است.

۱- اقدامات اولیه؛ اسناد عمومی

آغاز جنبش‌های حمایت از افراد دارای معلولیت به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برمی‌گردد. اولین جوامع و سازمان‌ها در انگلستان برای روشندان در سال ۱۸۸۹ و برای ناشنویان در سال ۱۸۹۰ تأسیس شدند. در ایالات متحده، این جنبش‌ها بعد از پایان جنگ جهانی اول و همراه با بازگشت افراد نابینا و دیگر معلولین ناشی از جنگ به وطن فعال شدند. (۴) سابقه توجه بین‌المللی را نیز می‌توان در اعلامیه حقوق کودک در ۱۹۲۴ دید که جامعه ملل براساس پیشنهاد یک سازمان غیردولتی فعال در پنج ماده آن را صادر کرد. در این اعلامیه حمایت از کودکان دارای معلولیت ذهنی مطرح شده است. (۵)

منشور ملل متحد با تأکید بر اصول صلح و ایمان به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بدون

توجه به رنگ، جنس، نژاد، مذهب و تصویب پایه‌های اولیه رعایت حقوق برابر انسان‌ها در یک سند بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفت. پس از آن اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ تصویب شد. اعلامیه جهانی در ماده ۱ اشعار می‌دارد که کلیه افراد بشر از لحاظ کرامت و حقوق با هم برابرند. همچنین طبق ماده ۲ همه افراد بشر بدون هیچ‌گونه تمایزی از لحاظ رنگ، جنس، مذهب و نژاد و زمینه‌های دیگر از حقوق مدنی و سیاسی^۲ همچنین اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند می‌باشند.

سپس در سال ۱۹۶۶ دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و اقتصادی اجتماعی فرهنگی تصویب شدند.^۳ میثاق‌های فوق مهم‌ترین ابزارهای همه‌جانبه حقوق بشر هستند. از طرفی اطلاق میثاقین به تمام اعضاء جامعه است که به‌طور کلی افراد دارای معلولیت نیز به‌طور آشکار سلسله کامل از حقوق شناخته شده را دارند. از سوی دیگر میثاق‌ها مشخصاً به افراد دارای معلولیت که مستلزم رفتار ویژه هستند توجه ندارند. بعدها در توصیه‌نامه کمیته میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی مطرح شد که عدم توجه میثاقین به افراد دارای معلولیت ناشی از عدم آگاهی نسبت به حقوق آنها در سال تصویب آنها است. البته در دو کمیته میثاقین، کمیته حقوق مدنی سیاسی طی توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۸ و کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی، توصیه‌نامه عمومی شماره ۵ مفاد آنها در موضوعات خاص از نظر حمایت حقوق افراد دارای معلولیت مورد تفسیر قرار گرفتند.^۴ دیگر کنوانسیون‌های مهم حقوق بشری، کنوانسیون بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض ۱۹۶۶^۴، کنوانسیون رفع تبعیض همه‌جانبه نسبت به زنان ۱۹۷۹^۵، و کنوانسیون علیه شکنجه، و دیگر اشکال رفتار ظالمانه و تخفیف حیثیت انسانی ۱۹۸۴^۶. نیز اشاره‌ای به افراد دارای معلولیت نداشتند. تنها کنوانسیون بین‌المللی که مشخصاً به آنها اشاره می‌کند، کنوانسیون حقوق کودک است^۷ که طی ماده ۲۳ در چهار بند حاوی

- 1- Universal declaration of Human Rights (1948).
- 2- International Covenant on civil and political Rights 1966.
- 3- International covenant on Economic, social and cultural Rights (1966).
- 4- Convention on elimination of all forms of Racial discrimination (1966).
- 5- Convention on elimination of all forms of discrimination against women.
- 6- Convention against torture and other cruel, inhuman degrading

حقوق کودکان دارای معلولیت است. البته لازم به تذکر است که قبل از کنوانسیون فوق، اعلامیه جهانی حقوق کودک در ۱۹۵۹ مصوب مجمع عمومی در اصل پنج به این کودکان اشاره کرد و خواستار توجه خاص آموزشی نسبت به کودک دارای معلولیت جسمی، ذهنی و یا اجتماعی شده بود.

کنوانسیون حقوق کودک از دول عضو می‌خواهد که برای کودکی که از لحاظ جسمی یا ذهنی معلول است یک زندگی توأم با احترام که متضمن رعایت منزلت و افزایش اتکا به نفس او باشد فراهم و مشارکت مؤثر وی در جامعه تسهیل شود. در بند ۲ نیز حمایت و مساعدت دولت را در شرایط مورد تقاضا مطرح می‌کند. همچنین با عنایت به لزوم بالاترین حد حضور در جامعه و رشد فردی کودک دولت را موظف به ارائه خدمات مختلف آموزشی بهداشتی، توانبخشی، آماده‌سازی اشتغال و امکانات تفریحی می‌نماید. بند چهار نیز لزوم همکاری‌های بین‌المللی و مبادله اطلاعات مقتضی را در زمینه‌های مراقبت‌های پزشکی و... مطرح می‌کند. همچنین در ماده ۳۹ کنوانسیون بر وظیفه دولت در تضمین حمایت‌هایی ویژه از کودکان با نقص عضو و با اختلالات یادگیری تأکید می‌کند.

از آنجایی که توصیه‌نامه شماره ۵ کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی در زمینه تفسیر مواد میثاق و حمایت بیشتر از حقوق افراد دارای معلولیت است، در اینجا به آن اشاره می‌شود. کمیته به‌طور مشخص براساس توصیه‌نامه مسئول شد که برای نظارت بر قبول و اجرای تعهدات دولت‌های عضو برای اطمینان از برخورداری حقوق افراد دارای معلولیت بررسی‌های لازم را انجام دهد. شاخص‌ها حاکی از آن بود که دولت‌های عضو اعتبار کمی به آن موضوع در گزارش‌های ادواری خود به کمیته داده‌اند. این امر منتهی به این نتیجه‌گیری از طرف کمیته شد که بهتر است طی بررسی بیشتر برخی راههایی که در آن از طریق مواد میثاق می‌توان به ارتقاء وضعیت افراد دارای معلولیت کمک کرد مشخص شود. کمیته توصیه کرد که فعالیت‌های مثبتی برای کاهش فقدان امتیازهای ساختاری صورت گیرد و اعمال ترجیحی مقتضی برای به‌دست آوردن مشارکت کامل و برابر افراد دارای معلولیت انجام شود. طبیعی است که برای اجرای آنها منابع لازم مورد نیاز می‌باشد. کمیته به گزارش دبیرکل در این زمینه توجه می‌کند که از نظر وی توسعه‌های انجام شده در طول دهه گذشته در هر دو دسته کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از دیدگاه مردم دارای معلولیت قابل توجه نبوده است. بدتر شدن وضعیت اقتصادی و

و متعاقب آن خصوصی سازی به طور مشخص بر نحوه ارائه خدمات به معلولین اثر منفی گذاشته است. به زعم وی اگر این روند ادامه پیدا کند، خطر به حاشیه رانده شدن افراد دارای معلولیت در جامعه وجود دارد و می بایستی حمایت های موقتی از آنان صورت گیرد. (۷) کمیته در چند مورد مشخص زیر توصیه هایی را به عمل می آورد:

ماده ۳- حقوق برابر زن و مرد (۸)

زنان دارای معلولیت تبعیض مضاعفی را متحمل می شوند که اغلب مورد غفلت هم قرار می گیرند. کمیته از دولت ها درخواست می کند که وضعیت آنان را با تقدم اولیه در اجرای آینده برنامه های اقتصادی اجتماعی فرهنگی خود در نظر بگیرند.

همچنین در این زمینه به برنامه عمل کنفرانس جهانی زنان پکن (۱۹۹۵) اشاره می کند که در بند ۲۳۲ از دولت ها درخواست می کند که اعمالی را برای تشویق و تقویت اجرای توصیه های به عمل آمده در قواعد استاندارد در زمینه برابری فرصت ها برای افراد دارای معلولیت در نظر بگیرند و توجه ویژه به اطمینان از عدم تبعیض و برخورداری برابر از تمام حقوق و آزادی های اساسی توسط زنان و دختران دارای معلولیت داشته باشند. این توجه همچنین شامل دسترسی به اطلاعات به ویژه در زمینه خشونت نسبت به زنان، مشارکت فعال و همیاری اقتصادی می گردد.

مواد ۸-۶- حق کار (۹)

در زمینه اشتغال، معمولاً تبعیض مستمر و مهم است. ورود افراد دارای معلولیت به بازار کار عادی باید به طور فعال توسط دولت ها حمایت شود. براساس بند اول ماده ۶، هر کس حق دارد که توسط کاری که آزادانه انتخاب و یا قبول می کند فرصت زندگی را داشته باشد. این حق در مورد افراد دارای معلولیت تحقق پیدا نمی کند. به طور مثال تنها فرصت برای آنان در مکان های پوشیده و غیراستاندارد است. در واقع فقط افراد خاصی از این گروه به طور مؤثر کارهایی را انجام می دهند.

ماده ۷ نیز در این خصوص به حق برخورداری از شرایط عادلانه و درست کار به کارگران دارای معلولیت بر می گردد. همچنین کارگران دارای معلولیت نباید مورد تبعیض از نظر دستمزد قرار گیرند. حقوق مربوط به عضویت و شرکت در اتحادیه های کارگری نیز در ماده ۸ آمده است که کارگران دارای معلولیت نیز باید حق شرکت در اتحادیه ها را داشته و مورد مشورت قرار گیرند. سازمان بین المللی کار یک مقاله نامه با ارزش و همه جانبه را در زمینه حقوق افراد دارای

افراد دارای معلولیت است تصویب نموده است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت‌های عضو را تشویق می‌کند که مقاله‌نامه را امضا نمایند.

ماده ۹- امنیت اجتماعی (۱۰)

امنیت اجتماعی و حفظ درآمد برای افراد دارای معلولیت اهمیت ویژه‌ای دارد. یک چنین حمایتی باید برای کمک و دیگر هزینه‌هایی باشد که اغلب با معلولیت همراه است و همچنین اعضای خانواده را نیز دربرگیرد.

ماده ۱۰- حمایت خانواده (۱۱)

در مورد افراد دارای معلولیت میثاق از دولت‌ها می‌خواهد که امکان زندگی افراد دارای معلولیت را با خانواده‌های خود فراهم کنند. البته اصطلاح خانواده باید به‌طور موسع مورد تفسیر قرار گیرد. در اساس منطقه و فرهنگ باید مورد نظر قرار گیرند. این افراد باید دسترسی به خدمات مشورتی لازم برای اجرای حقوق و وظایف خود در خانواده را داشته باشند. زنان باردار دارای معلولیت باید حق حمایت و پشتیبانی در زمان فوق را دارا باشند.

ماده ۱۱- حق دسترسی به کیفیت زندگی مطلوب (۱۲)

علاوه بر احتیاجات اولیه افراد دارای معلولیت باید حق استفاده از برآوردن نیازهای دیگر را نیز داشته باشند که آنان را قادر به حضور مؤثر در جامعه می‌نماید.

ماده ۱۲- حق مراقبت‌های جنسی و روانی (۱۳)

رعایت این حقوق لازم بوده و باید آنها قادر باشند که با حفظ احترام کامل حقوق و حیثیت خود زندگی کنند.

مواد ۱۳ و ۱۴ حق آموزش (۱۴)

دولت‌ها باید از آموزش کودکان دارای معلولیت در زمینه‌های مادی و تأمین لوازم مورد نیاز اطمینان داشته باشد.

ماده ۱۵- حق مشارکت در زندگی فرهنگی و برخورداری از مزایای پیشرفت علمی (۱۵)

برای تسهیل در مشارکت برابر در زندگی فرهنگی افراد دارای معلولیت، دولت‌ها باید عموم مردم را درباره اهمیت حضور آنان آموزش دهند. به‌ویژه معیارهایی برای جلوگیری از پیش‌داوری و بدگمانی مردم نسبت به افراد دارای معلولیت اتخاذ نمایند تا آنان بتوانند به راحتی در اماکن عمومی حضور و در رویدادهای فرهنگی مشارکت داشته باشند.

۲- اسناد ویژه افراد دارای معلولیت

از دهه هفتاد متعاقب توجه بین‌المللی به حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، ملل متحد به فعالیت مشخص در این زمینه پرداخت. در سال ۱۹۷۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق افراد مبتلا به عقب ماندگی ذهنی را در ۷ ماده به تصویب رساند که بر حقوق مشابه آنان با سایر اعضاء جامعه تأکید می‌ورزد و حق برخورداری از خدمات آموزشی، بهداشتی، درمانی، توانبخشی و اشتغال را برای آنان طلب می‌کند. (۱۶) اعلامیه دیگری برای افراد دارای معلولیت ذهنی توسط مجمع عمومی در دسامبر ۱۹۹۱ طی ۲۵ اصل تصویب شد و در آن خواسته شد که اعلامیه در مجموعه اسناد حقوق بشری نگهداری شود. (۱۷)

اعلامیه دیگری برای همه افراد دارای معلولیت ذهنی و جسمی در ۱۹۷۵ یا تشریح بیشتری، ضمن خواستاری تضمین حقوق افراد دارای معلولیت توسط حکومت‌ها، خواستار رفع همه‌گونه تبعیض برای آنان می‌شود و حقوق برابر مدنی سیاسی و همچنین برخورداری از تأمین اقتصادی اجتماعی، حق زندگی در کنار خانواده، حضور در فعالیت‌های اجتماعی،... را مورد تأکید قرار می‌دهد. (۱۸)

معمولاً توجه سازمان ملل متحد به موضوعات را می‌توان در قالب اطلاق سال جهانی، برگزاری دهه‌های ویژه، تصویب اسناد در اشکال مختلف و ایجاد نهادهای خاص تشخیص داد. سال ۱۹۸۱ سال جهانی افراد دارای معلولیت نام گرفت (۱۹) و فاصله سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۸۳ به عنوان دهه جهانی آنان نامیده شد. (۲۰) و در پایان دهه قوانین استاندارد برای افراد دارای معلولیت تصویب شد. گذشته از آن برنامه اقدام نیز تهیه گردید.

۳- قواعد استاندارد (۲۱)، مهم‌ترین اقدام بین‌المللی

قواعد استاندارد بر پایه برابری فرصت‌ها برای افراد دارای معلولیت مبتنی بر تجارب به‌دست آمده در دهه حقوق افراد دارای معلولیت ۱۹۹۳-۱۹۸۳ تدوین شده است. کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در ۱۹۹۳ از مجمع عمومی و شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد خواست که پیش‌نویس قواعد استاندارد و برابری فرصت‌ها را برای اشخاص دارای معلولیت در اجلاس‌های خود در ۱۹۹۳ مورد تصویب قرار دهند.

این در حالی است که طی بندهای ۶۳ و ۶۴ اعلامیه نهایی کنفرانس نیز به حقوق اشخاص

سرشت جهان شمول دارند و از این روی باید بدون چون و چرا شامل معلولین نیز گردند. همچنین هرگونه تبعیض آشکار و سایر رفتار منفی تبعیض‌آمیز را نسبت به شخص دارای معلولیت اعم از مرد یا زن نقض به شمار می‌آورد. (۲۲)

منشور حقوق بشر بین‌المللی شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک، برنامه اقدام جهانی مربوط به حقوق افراد دارای معلولیت، شامل پایه‌های اخلاقی و سیاسی برای قواعد استاندارد است.

با وجود اینکه قواعد استاندارد اجباری نیستند، ولیکن می‌توان آنها را قواعد عرفی بین‌المللی دانست که توسط تعداد زیادی از دولت‌ها با هدف احترام به قواعد حقوق بین‌المللی اجرا می‌شوند. این قواعد اجرای تعهد قوی اخلاقی و سیاسی از طرف دولت‌ها را برای برابری فرصت‌ها برای افراد دارای معلولیت به همراه دارد. اصول مهم برای مسئولیت، عمل و همکاری در این قواعد مشخص شده است. در قواعد استاندارد موارد پراهمیت و تعیین‌کننده برای کیفیت زندگی و به دست آوردن مشارکت کامل و مساوات برای افراد دارای معلولیت مشخص شده‌اند. همچنین اصول و ابزاری را برای سیاست‌گذاری و عمل برای افراد دارای معلولیت و سازمان‌های آنها پیشنهاد می‌کنند. این قواعد پایه‌هایی برای همکاری تکنیکی و اقتصادی در میان دولت‌ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی فراهم می‌کنند.

هدف قواعد، اطمینان از آن است که زنان، مردان، پسران و دختران با معلولیت به عنوان اعضای جوامع خود، از حقوق و وظایف دیگر اعضای جامعه برخوردار باشند. در تمام جوامع جهان هنوز موانعی برای اجرای حقوق و آزادی‌های افراد دارای معلولیت وجود دارد که آنها را برای مشارکت کامل در فعالیت جوامع خود با مشکل روبرو نموده است. از این رو در زمره مسئولیت دولت‌هاست که اقدامات مقتضی را برای امحاء یک چنین موانعی انجام دهند. افراد دارای معلولیت و سازمان‌های ذیربط باید یک نقش فعال به عنوان شرکای این فرایند داشته باشند. برابری فرصت‌ها برای افراد دارای معلولیت یک شرط لازم در کوشش‌های جهانی برای بسیج منابع انسانی است.

توجه اجتماعی در مواردی ممکن است نیاز به جهت‌گیری به طرف گروه‌های زنان، کودکان، بزرگسالان، فقیران، کارگران مهاجر، افراد دارای معلولیت‌ها، ده‌گانه، اعاضا، گانه، دوستان و...

که نیازهای آنها جلب توجه می‌کند. (۲۳)

اصل اساسی قواعد استاندارد برابری فرصت‌ها می‌باشد. اصطلاح برابری فرصت‌ها به معنای فرایندی است که توسط آن نظام‌های مختلف جامعه و محیط اطراف آن مانند خدمات، فعالیت‌ها، اطلاعات و اسناد، قابل دسترس برای همه، به خصوص افراد دارای معلولیت باشد.

سازوکارهای نظارتی

هدف سازوکارهای نظارتی اجرای بیشتر و مؤثرتر قواعد است. اجرای قواعد در چارچوب اجلاس کمیسیون توسعه اجتماعی نظارت می‌شود. گزارشگر ویژه دارای اطلاعات لازم و گسترده در زمینه معلولیت و سازمان‌های بین‌المللی است و بر همین اساس انتخاب می‌شود. همچنین سازمان‌های غیردولتی مورد مشورت قرار می‌گیرند. کارشناسان برای بررسی، راهنمایی و فراهم کردن زمینه پیشنهادها در بهبود اجرا و نظارت بر قواعد نیز فعال خواهند بود. گزارشگر ویژه از طریق ارسال سئوالات، مذاکره مستقیم با دولت‌ها و تهیه گزارش در اجرای قواعد استاندارد عمل خواهد کرد. همچنین دولت‌ها برای مشارکت با سازمان ملل متحد برای تأسیس صندوق داوطلبانه برای معلولیت^۱ در اجرای بیشتر قواعد تشویق شده‌اند.

همان‌طوری که مطرح شد قواعد استاندارد مهم‌ترین ابزار ارزشمند حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که سه اصل کلی برای رعایت حقوق آنان در نظر گرفته شده:

برابری فرصت‌ها^۲

توانایی مشارکت^۳

شامل‌سازی^۴

البته در عمل پیشنهاد شده است که قواعد استاندارد باید مورد تجدیدنظر قرار گیرند و توجه بیشتری به نیازهای زنان، دختران، کودکان و افراد سالمند دارای معلولیت مبذول گردد. همچنین افرادی که دارای معلولیت پیشرونده و روانی هستند، بیشتر مورد حمایت قرار گیرند. حق

1- United Nation's voluntary fund on Disability.

2- equality of opportunity.

برخوررداری از سرپناه مناسب و به‌ویژه حق توسعه^۱ نیز در آن گنجانیده شود. استاندارد زندگی مناسب، تغذیه خوب، مراقبت‌های بهداشتی، حق آموزش، کار شایسته^۲، همگی حقوقی هستند که تنها اهداف برای توسعه نیستند بلکه حقوق بشر می‌باشند که باید رعایت آنها برای افراد دارای معلولیت صورت گیرد.

قواعد استاندارد به شکل کنوانسیون ارائه نشده‌اند و دارای الزام ابزاری نیستند ولیکن یک تعهد قوی اخلاقی و سیاسی برای دولت‌ها در عمل ایجاد کرده‌اند و پایه‌ای برای همکاری میان دولت‌ها، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی فراهم می‌کنند. (۲۴)

تعداد افراد دارای معلولیت در عرصه جهانی هر روز افزایش می‌یابد. این قواعد با هدف خلق زندگی بهتر برای افراد دارای معلولیت تدوین شده‌اند. این سند حاصل بیست سال فعالیت و تجربه بین‌المللی برای به دست آوردن و ارائه چارچوبی برای رعایت حقوق افراد دارای معلولیت است.

قواعد استاندارد تغییری را در نگرش و رهیافت ابزارهای بین‌المللی حقوق بشر به طرف معلولیت ایجاد کرد که پایه آن به برنامه جهانی اقدام دهه افراد دارای معلولیت برمی‌گردد. پیدایش تکنولوژی جدید، کشفیات پزشکی و نظریات علوم اجتماعی کمک زیادی به این توسعه در جامعه بین‌المللی کرد. قواعد استاندارد تلفیقی از دو دسته قواعد برای حمایت از افراد دارای معلولیت هستند: هم الزاماتی را برای ارائه خدمات فردی (قواعد مربوط به مراقبت پزشکی، توانبخشی، خدمات حمایتی) مطرح می‌کنند و هم چارچوبی را برای مشارکت فرد در جامعه فراهم می‌کنند. (۲۵)

یک جنبه از قواعد استاندارد که آن را از ابزارهای قبلی در این زمینه جدا می‌کند بیان مستقیم مسئولیت دولت‌ها در قبال شهروندان دارای معلولیت است. دولت‌ها مسئول رفاه آنان هستند و قواعد استاندارد به آنان برای ایفای این مسئولیت زمینه کمک می‌کنند. معیارهای بین‌المللی حقوق بشر اگر توسط سازوکارهای ملی حمایت نشوند دارای قابلیت اجرا نیستند و به همین ترتیب قواعد استاندارد به تنهایی نقش کمی را در زندگی افراد بازی می‌کنند، اگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی شرایطی را برای برابری فرصت‌ها و مشارکت افراد دارای معلولیت خلق نکنند. البته امروزه مشکلات اقتصادی کشورها و خصوصی سازی باعث کاهش قابل ملاحظه

فرصت‌های مشارکت در زندگی اقتصادی اجتماعی افراد دارای معلولیت شده است. در وضعیت سیاسی اقتصادی جاری اجرای قواعد استاندارد باید با امکانات اجتماعی همخوانی داشته باشد، اگر نه فقط سندی برای افزایش ابتکارات خواهد بود. (۲۶)

از نظر تعهد اجرا، علی‌رغم متن عالی، قواعد استاندارد یک ابزار حقوق بشری ضعیف است. دولت‌ها آن را پذیرفته‌اند ولیکن الزام حقوقی در اجرای آن ندارند. توافق برای پیروی از قواعد کمتر از تعهد به الحاق و اجرای الزامات حقوق کنوانسیون‌ها است. لذا از دولت در صورت عدم اجرا و یا عدم موفقیت در اعمال قواعد استاندارد پرسش نمی‌شود که چرا معیارهای مناسب برای تأمین برابر فرصت‌های مردم دارای معلولیت اجرا نکرده‌اند. (۲۷)

برای ارزیابی اجرای جهانی قواعد استاندارد یک بررسی میان دولت‌های عضو سازمان ملل متحد و ۶۰۰ سازمان غیردولتی درباره ۴ قاعده آن صورت گرفت و این نتیجه عاید شد که هنوز کشورهایی هستند که فاقد سیاست‌های مشخص حمایت از افراد دارای معلولیت می‌باشند. حتی در ارتباط با تعریف فرد دارای معلولیت نیز بین کشورها تفاوت وجود دارد و هنوز در حد زیادی از افراد دارای معلولیت در فقر و جدایی از خانواده و اجتماع زندگی می‌کنند. (۲۸)

این مطالعه نشان می‌دهد که در اکثریت کشورها افراد دارای معلولیت دارای حقوق اجتماعی ضمانت شده نیستند و خدمات بهداشتی، امنیت اجتماعی و اشتغال در دسترس به دیگر افراد جامعه قرار دارد. همچنین پاسخ‌ها نشانگر آن است که حکومت‌ها در ایجاد و حمایت از حقوق مدنی سیاسی افراد دارای معلولیت بیشتر از بُعد حقوق اقتصادی اجتماعی توسعه یافته‌اند.

با توجه به توسعه فعالیت‌های حقوق بشر ملل متحد در دهه ۹۰ و پس از تدوین قوانین استاندارد توجه بیشتری به حقوق افراد دارای معلولیت مبذول گردید. گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد به مجمع عمومی اجلاس پنجاه و دوم (۲۹) بیان می‌کند که موضوعات مربوط به معلولیت باید از دو منظر مورد توجه قرار گیرند. یکی از دید توسعه همه جانبه و دیگری در چارچوب وسیع‌تر رعایت موازین حقوق بشر. همچنین در اجلاس پنجاه و چهارم نیز کمیته سوم مجمع عمومی از دبیر کل پیرامون اجرای برنامه اقدام مربوط به افراد دارای معلولیت گزارش خواست.

گزارش دبیر کل حول سه محور قابلیت دسترسی به اشتغال، خدمات اجتماعی و تأمین

اجتماعی تنظیم شده بود. همچنین یک مجموعه کاملاً از گزارش‌های اقدامات عملی از کشورها و

کارگزاری‌های ملل متحد در آن قرار داشت. الحاقیه گزارش نیز در مورد ظرفیت‌سازی^۱ ملی برای نیل به برابری فرصت‌ها بود. در همین سال مجمع عمومی قطعنامه دیگری را با عنوان اجرای برنامه عمل؛ به سوی جامعه قرن ۲۱ تصویب کرد (۳۰) که بر برابری بیشتر فرصت‌ها تأکید شده بود. در همین سال نیز طرح بررسی ایجاد صندوق داوطلبانه ملل متحد برای معلولیت به تصویب رسید.

کمیسیون حقوق بشر که مهم‌ترین رکن نظارتی سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر است در سال ۲۰۰۰ قطعنامه مهمی صادر کرد که در آن برای ترویج و حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت خواسته شده بود که بازرس^۲ (۳۱) به کار گرفته شود. و تأکید بر آنکه هرگونه نقض اساسی مساوات و یا هرگونه تبعیض و یا عمل مخالف رفتار با افراد دارای معلولیت در تعارض با قواعد استاندارد و فرصت‌های برابر نقض حقوق بشر آنهاست.

همچنین قطعنامه سال ۲۰۰۲ کمیسیون حقوق بشر مبنی بر تصمیم دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر برای انتخاب یک هسته مرکزی در کمیساریا با هدف اولیه دنبال کردن مسائل مربوط به حقوق بشر افراد دارای معلولیت است. (۳۲)

در حالی که مجمع عمومی ملل متحد نیز ضمن توجه به علاقه جامعه بین‌المللی به حمایت از افراد دارای معلولیت در یک نگرش همه‌جانبه و منسجم می‌خواهد که کنوانسیون بین‌المللی همه‌جانبه‌ای برای افراد دارای معلولیت تدوین شود و یک کمیته ویژه که مشارکت در آن برای همه اعضا و ناظران ملل متحد باز است، برای طرح کنوانسیون فوق تشکیل گردد. این امر را بر پایه یک رهیافت همه‌جانبه در زمینه توسعه اجتماعی، حقوق بشر و عدم تبعیض می‌داند و از دبیرکل تقاضا می‌کند که تسهیلات لازم را برای عملکرد کمیته ویژه در نظر بگیرد.

کمیته فوق‌الذکر در اگوست سال ۲۰۰۲ شروع به فعالیت کرد و برنامه جهانی ملل متحد پیرامون معلولیت^۳ برای تدوین این کنوانسیون فعال است.

نتیجه‌گیری

همان طوری که می‌دانیم میان آنچه که در لابه‌لای اسناد ملل متحد تنظیم می‌شود و در قالب

واژگان زیبا بیان می‌شود با واقعیت عملی زندگی مردم جهان شکاف بسیار وجود دارد. بدون آنکه ارزش و اعتبار این اقدامات را زیر سوال ببریم و حداقل نقش آنان را در تبیین موضوعات مربوطه به افراد باور داشته و آن را بلا تردید بدانیم ولی زمانی طولانی برای تغییر نیاز است. تعداد مردم دارای معلولیت و نیازهای آنان به سرعت در حال تزايد است ولی قوانین خیلی آهسته حرکت می‌کنند. جنبش بین‌المللی حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت با حمایت سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی فعال در جستجوی پیدا کردن راه‌های بهتری برای تغییر در زندگی آنهاست. در این راه ترتیبات منطقه‌ای نیز فعال بوده‌اند از جمله کنوانسیون کشورهای آمریکایی رفع تمام اشکال تبعیض علیه افراد دارای معلولیت در ۱۹۹۹ به عنوان یک مثال خوب از علاقه منطقه‌ای تصویب شد. همچنین براساس تغییرات ناشی از معاهده آمستردام ۱۹۹۷ اتحادیه اروپا برای تصویب معیارهای مقتضی برای مبارزه علیه تبعیض در همه زمینه‌ها از جمله معلولیت اختیار پیدا کرد که زمینه خوب دیگری برای حمایت از حقوق آنهاست. دیگر اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه‌های کنفرانس‌های دهه ۹۰ مانند توسعه اجتماعی کپنهاگ، زنان پکن ۱۹۹۵ و دیگر اسناد هم به حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت پرداخته‌اند، به‌ویژه اعلامیه نهایی پکن که رنج مضاعف زنان دارای معلولیت را مطرح می‌کند.

این تعهد جامعه بین‌المللی است که با تمام توان در جهت حمایت از حقوق و فرصت‌های برابر بخشی از جامعه بشریت که به علل مختلف دارای معلولیت هستند نه در حرف بلکه در عمل بکوشد، که یکی از مهم‌ترین آنها تقویت فرهنگ حمایت از افراد دارای معلولیت است و ایجاد نگرش عدم تبعیض در خانه و جامعه و امید است تجلی تعهدات بین‌المللی در قالب اسناد حقوق بشری در جهت حمایت از معلولین، بستر مناسب را برای تقویت این فرهنگ فراهم سازد.

یادداشت‌ها:

- 1 - U. N. Document, E/CN. 4/2000.RES/S/, 25 April 2000.
- 2 - U. N. Document, Press Release / SOC / 4528, Feb 2000.
- 3 - U. N. Document, E/CN. 4/2002/66, Apr 2002.

۴ - برای آگاهی از تاریخچه جنبش‌ها و سازمان‌های فعال در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت

مراجعه فرمائید به:

۵ - سخنرانی جناب آقای دکتر محمد کمالی در کارگاه حقوق افراد دارای معلولیت، طرح تقویت ظرفیت‌های آموزش و پژوهش حقوق بشر. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، برنا، تهران ملل متحد، ۱۴-۱۵، آبان ماه ۱۳۷۹.

6 - General Comment of Committee of International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights ' UN. Document, E/C.2/1994. para 13.

7 - Melinda Jones and lee Ann Basser Marks, *Op.Cit.*

۸ - ماده ۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی می‌گوید: دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق تأمین نمایند.

۹ - ماده ۶ میثاق اشعار می‌دارد: ۱- دولت‌های طرف این میثاق حق کار را که شامل حق هر کس است به اینکه فرصت یابد به وسیله کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌نماید معاش خود را تأمین کند به رسمیت می‌شناسند و اقدامات مقتضی برای حفظ این عمل معمول خواهند داشت. ۲- اقداماتی که دولت‌های طرف این میثاق به منظور تأمین اعمال کامل این حق به عمل خواهند آورد باید شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه‌ای و طرح برنامه‌ها و خط مشی‌ها و تدابیر فنی باشد که از لوازم تأمین توسعه مداوم اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و اشتغال تام و مولد است. تحت شرایطی که آزادی‌های اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ نماید.

ماده ۷ میثاق اشعار می‌دارد: دولت‌های طرف این میثاق باید حق هر کس را به تمتع از شرایط عادلانه و مساعد کار که به ویژه متضمن مراتب زیر باشد به رسمیت بشناسند. الف: اجرتی که لااقل امور ذیل را برای کلیه کارگران تنظیم نماید: ۱- مزد منصفانه و اجرت مساوی برای کار با ارزش مساوی بدون هیچ نوع تمایز به ویژه آنکه زنان تضمین داشته باشند که شرایط کار آنان پایین‌تر از شرایط مورد استفاده مردان نباشد و برای کار مساوی مزد مساوی با مردان دریافت دارند. ۲- مزایای کافی برای آنان و خانواده‌شان طبق مقررات این میثاق. ب: ایمنی و بهداشت. ج: تساوی فرصت برای هر کس که بتواند در خدمت خود به مدارج مناسب عالی تری ارتقا یابد بدون در نظر گرفتن هیچ گونه ملاحظه دیگری جز طول مدت خدمت و لیاقت. د: استراحت، فراغت و محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی ادواری با استفاده از حقوق همچنین مزد ایام تعطیل رسمی.

ماده ۸ میثاق چنین بیان می‌کند: دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که مراتب زیر را تضمین کنند. الف: حق هر کس به اینکه به منظور پیشبرد و حفظ منابع اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان ذیربط مبادرت به تشکیل اتحادیه نماید و به اتحادیه مورد انتخاب خود

تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا حفظ حقوق و آزادی‌های افراد دیگر ضرورت داشته باشد. ب: حق اتحادیه‌ها (سندیکاها) به تشکیل فدراسیون‌ها یا کنفدراسیون‌های ملی و حق فدراسیون‌ها یا کنفدراسیون‌ها به تشکیل سازمان‌های سندیکایی بین‌المللی یا الحاق به آنها. ج: حق اتحادیه‌ها (سندیکاها) که آزادانه به فعالیت خود مبادرت نمایند بدون هیچ محدودیتی جز آنچه به موجب قانون تجویز شده و در یک جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا برای حفظ حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد. د: حق اعتصاب مشروط بر اینکه با رعایت مقررات کشور مربوطه اعمال می‌شود. ۲- این ماده مانع از آن نخواهد بود که افراد نیروهای مسلح یا پلیس یا اعضای اداری دولت در اعمال این حقوق تابع محدودیت‌های قانونی بشوند. ۳- هیچ یک از مقررات این ماده دولت‌های طرف کنوانسیون ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکایی و حمایت از حق سندیکایی را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ تدابیر قانون‌گذاری یا نحوه اجرای قوانین به تضمینات مقرر در کنوانسیون مزبور لطمه‌ای وارد آورند.

۱۰ - ماده ۹ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی می‌گوید: دولت‌های طرف این میثاق حق هر شخص را به تأمین اجتماعی به رسمیت می‌شناسند.

۱۱ - ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی فرهنگی بیان می‌کند: دولت‌های طرف این میثاق قبول دارند که: ۱- خانواده که عنصر طبیعی و انسانی جامعه است باید از حمایت و مساعدت به حد اعلائی ممکن برخوردار گردد به ویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را به عهده دارد. ازدواج باید با رضایت آزادانه طرفین که قصد آن را دارند واقع شود. ۲- مادران در مدت معقولی پیش از زایمان و پس از آن باید از حمایت خاص برخوردار گردند در آن مدت مادران کارگر باید از مرخصی با استفاده از حقوق و یا مرخصی با مزایای تأمین اجتماعی کافی برخوردار گردند. ۳- تدابیر خاصی در حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال غیرمتمیز و متمیز بدون هیچ گونه تبعیض به علت نسب یا علل دیگر باید اتخاذ بشود اطفال غیرمتمیز و متمیز باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند. واداشتن اطفال به کارهایی که برای جهات اخلاقی با سلامت آنان زیان آور است، یا زندگی آنان را به مخاطره می‌اندازد و یا مانع رشد طبیعی آنان می‌گردد باید به موجب قانون قابل مجازات باشد. دولت‌ها همچنین باید برای اشتغال اطفال موظف به کار حدود سنی قائل شوند که کمتر از آن به موجب قانون ممنوع و قابل مجازات باشد.

۱۲ - ماده ۱۱ دولت‌های طرف این میثاق حق هر کس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند. دولت‌های طرف این میثاق به منظور تأمین تحقق این حق تدابیر مقتضی اتخاذ

۲- تدابیری که دولت‌های طرف این میثاق با اذعان به حق اساسی هر کس به اینکه از گرسنگی فارغ باشند منفرداً و از طریق همکاری بین‌المللی تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخص به قرار ذیل اتخاذ خواهند کرد. الف: بهبود روش‌های تولید و حفظ و توزیع خواربار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعه اصول آموزش و تغذیه و با توسعه یا اصلاح نظام زراعی به نحوی که حداکثر توسعه مؤثر و استفاده از منابع طبیعی را تأمین نماید. ب: تأمین توزیع منصفانه منابع خواربار جهان بر حسب حوائج با توجه به مسائل مبتلا به کشورهای صادرکننده و واردکننده خواربار.

۱۳- ماده ۱۲: ۱- دولت‌های طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می‌شناسند. ۲- تدابیری که دولت‌های طرف این میثاق برای استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود: الف - تعلیل میزان مرده متولد شدگان و مرگ و میر کودکان و تأمین رشد سالم آنان. ب: بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات. ج - پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه‌گیر، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها همچنین پیکار علیه این بیماری‌ها. د: ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلاء به بیماری.

۱۴- مواد ۱۳ و ۱۴ میثاق مواد طولانی هستند که به رسمیت شناختن حق هر کس برای آموزش و پرورش از طرف دولت‌ها اشاره دارد. همچنین به اجباری بودن، رایگان و در دسترس عموم بودن، تعمیم آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای و در اختیار گذاشتن کلیه وسایل مقتضی اشاره دارد. انتخاب مدرسه نیز از جمله این حقوق است. ماده ۱۴ نیز به تعهدات دولت‌ها برای آموزش و پرورش مجانی می‌پردازد. ماده ۹ میثاق اشعار می‌دارد: دولت‌های طرف این میثاق حق هر شخص را به تأمین اجتماعی به رسمیت می‌شناسند.

۱۵- ماده ۱۵ میثاق می‌گوید: ۱- دولت‌های طرف این میثاق حق هر کس را در امور ذیل به رسمیت می‌شناسد: الف: شرکت در زندگی فرهنگی، ب: بهره‌مند شدن از پیشرفت‌های علمی و مجاری آن، ج: بهره‌مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هرگونه اثر علمی، ادبی یا هنری. ۲- تدابیری که برای تأمین اعمال کامل این حق وسط دولت‌های طرف این میثاق اتخاذ خواهد شد باید شامل تدابیر لازم برای تأمین، حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ باشد. ۳- دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیت‌های خلاقه را محترم بشمارند. ۴- دولت‌های طرف این میثاق به فوائد حاصل از تشویق و توسعه همکاری و تماس‌های بین‌المللی در زمینه علوم و فرهنگ اعتراف می‌نمایند.

19 - World Programme of Action concerning Disabled Persons, A/RES/37/52, 3 Dec 1982.

20 - *Ibid.*

۲۱- برای آگاهی از قواعد استاندارد مراجعه کنید:

The Standard Rules; On the equalization of opportunities for persons with disabilities,- DPI / New york, 1995.

۲۲ - اعلامیه نهایی و برنامه اقدام کنفرانس جهانی حقوق بشر وین، ترجمه فارسی - دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۹۹۵ (۱۳۷۴).

۲۳ - برای اطلاع دقیق‌تر از این موارد به مقاله جالب ذیل مراجعه کنید.

Arita Silvers; Double Consciousness, triple Difference: Disability, Race, Gender and the politics of Recognition in Melinda Jones and lee Ann Basser, Marks, *Disability, Diverse ability and legal change*, the Hauge, Mortinus Nijhoff 1999, pp. 75-101.

۲۴ - برای اطلاع بیشتر می‌توان به مقاله جالب ذیل مراجعه کرد:

Dimitris Michailakis, The standard rules; Aweak instrument and a strong commitment / in Melinda jones and Lee Ann Basser Marks, *Op.Cit.*, pp. 120-30.

25 - *Ibid.*, p. 122.

26 - *Ibid.*, p. 125.

27 - *Ibid.*

28 - *Ibid.*, p. 126.

29 - U. N Document, A/52/35, oct 1997.

30 - U. N. Document, Press release, GA/SHC/3574, 26 sep 2000.

31 - U. N. Document, E/CN.4/RES/2000/5/, 25 April 2000.

32 - U. N. Document, E/CN. 4. RES/2002/ 6/, April 2002.